

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

۲۶ سپتمبر ۲۰۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم



ترجمه و تفسیر سوره النساء-۴

جزء ۴، ۵، ۶

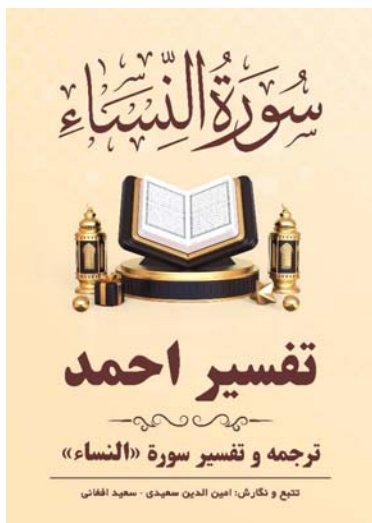
سورة النساء/ جزء ۴، ۵، ۶

سورة نساء در مدینه نازل شده، دارای یکصد و هفتاد و شش آیه و بیست و چهار رکوع است.

وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا (۳)

اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم، بیمناک هستید [به شرطی که بتوانید با سایر زنان، به عدل رفتار کنید]، از آن زنانی که می پسندید، دودو، سه سه و چهار چهار زن را به همسری خود در آورید. و اگر بیم دارید میان آنان [هم دادگرانه] رفتار ننمائید؛ به یک زن بسنده کنید، یا با کنیزان خود [که تحت تکفل شما هستند]، ازدواج کنید. این راه، به ستم نکردن، نزدیکتر است. (۳)

تشریح لغات و اصطلاحات:



«أَلَا تَقْسُطُوا»: این که به عدل عمل نکنید، ما طاب: زنانی که پسندید، قلب به آنان علاقه نشان دهد. «مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ»: دو دو، سه سه، چهار چهار؛ یعنی، دو یا سه یا چهار.

«أَلَا تَعْدِلُوا»: این که به عدل رفتار نکنید. هدف، عدالت در امور زندگی است نه محبت قلبی؛ چون در اختیار انسان نیست. «مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»: آن چه از کنیزان که در اختیار دارید. «أَلَا تَعْلَمُونَ»: این که ستم نورزید. تفسیر:

«وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى»: و اگر از این امر بیم داشتید که نتوانید در مهریه یتیمها عدالت کنید به این صورت که هرگاه با یکی از آنها ازدواج کنید و مهری را که به امثال آنها داده می‌شود نپردازید در این صورت از ازدواج با آنها صرف نظر نموده و با سایر زن‌ها ازدواج کنید.

بیان معنای آیت مبارکه: در جاهلیت، اولیای دختران یتیم، چون پسرکاکای ایشان، آنان را به نکاح خویش درمی‌آوردند، اما حقوق مقرر در نکاح - چون مهر، را به آنان نپرداخته و در این باره با آنان مانند غیرشان از همسران رفتار نمی‌کردند، پس الله متعال از نکاح آنان توسط اولیایشان نهی کرد، مگر این که با ایشان به عدل و داد رفتار شود و بالاترین مهری را که مستحق آن هستند و سایر حقوق زناشویی به آنان داده و پرداخته شود، در غیر این صورت باید، به جز دختران یتیم، از زنان دیگر مورد پسند خویش به همسری بگیرند. لذا هرکس به‌گمان غالب خود می‌پندارد که در حق دختر یتیم چنان‌که باید عدالت نمی‌کند، باید از ازدواج با او صرف نظر کرده و یک زن دیگر، یا در صورت ضرورت حتی تا چهار زن را به نکاح خود درآورد و در حق دختر یتیم ظلم و ستم نکند. «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ»: غیر از آنان به میل خود از زنانی که برایتان حلال هستند دو یا سه یا چهار زن عقد کنید.

«فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»: ولی اگر انسانی از این بیم داشت که نتواند در بین زنان عدالت را برقرار کند، فقط یکی را عقد کنید. یعنی اگر میان همسران در نوبت هم‌خواهی، نفقه، معاشرت، مسکن و امثال آنها، نمی‌توانید عدالت کنید پس فقط «به یک زن اکتفا کنید» نه بیشتر از آن. به قولی معنی این است: اگر می‌ت رسیدید که میان آنها در محبت عدالت نمی‌کنید - پس فقط یک زن بگیرید نه بیشتر.

ولی در فهم این باید گفت که: قول راجح این است که: هدف در آیت عدالت معنوی، یا محبت قلبی مورد نظر نیست زیرا این امر از وسع و توان انسان خارج است، همان‌گونه که رسول الله صلی الله علیه وسلم خود به عائشه (رض) در مقایسه با سایر ازواج مطهرات - محبت قلبی بیشتری داشتند. چنان که در حدیث شریف آمده است: «اللهم هذا قسمي فيما أملك فلا تؤخذني فيما تملك ولا أملك». «بار الهی! این تقسیم من است در چیزی که من مالک آن هستم، پس مرا در آنچه که تو مالک آن هستی (یعنی محبت قلبی) یادداشتی بر عدل پسندیده: عدل پسندیده و مطلوب میان چند زن، همانا عدالت در مسایل مادی، قسم (تقسیم کردن شبهای هفته) و یکسان بودن نفقه و مخارج زندگانی آنان از قبیل: خوردنی، نوشیدنی پوشیدنی، مسکن و اختصاص ساعات دیدار و حضور است؛ اما عدل معنوی و امر قلبی مانند: دوستی و علاقه مندی بیشتر نسبت به یکی از زنان در توان انسان نیست و در دایره قدرت او در نخواهد آمد و رعایت عدالت در احساسات دل و درون از کسی ساخته نیست، چون از اراده انسان بیرون است.

«أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»: یا به عقد کنیزانی که «ملک یمین» شما هستند اکتفا کنید؛ چون حقی را که زنان به گردن شوهر دارند، آنها ندارند.

مراد: معاشرت جنسی با کنیزان از طریق ملکیت است، نه از طریق ازدواج. خاطر نشان می‌شود که کنیزان ملکی، حقی در نوبت هم‌خوابی ندارند.

مفسر تفسیر تفهیم القرآن در تفسیر آیت مبارکه می‌نویسد: مراد از آن کنیزان هستند، یعنی زنانی که در جنگ آسیب می‌شوند و از سوی دولت در میان مردم تقسیم می‌شوند. منظور آیت همان گونه که در آیات ۲۴ و ۲۵ همین سوره می‌آید این است که اگر حتی توان تحمل هزینه‌های ازدواج با یک همسر آزاده را هم نداشتید با کنیز ازدواج کنید، یا این که به بیش از یک همسر احساس نیاز می‌کردید و رعایت عدالت در میان همسران آزاد و خانواده دار برای شما مشکل بود به کنیزان روی آورید چرا که بار مسؤولیت آنان بر شما به نسبت کمتر خواهد بود. (جزئیات بیشتر در مورد احکام کنیزان در ادامه در تفسیر آیت ۲۴ می‌آید)

شان نزول: در یکی از روایات در باب شأن این آیت مبارکه آمده است: مردم از خوردن اموال یتیمان احساس گناه کرده و خود را از آن باز می‌داشتند، اما در امر زنان، با دست باز عمل کرده و هرچه می‌خواستند از آنان به ازدواج خویش در می‌آوردند و گاهی میان‌شان عدالت کرده و چه بسا که عدالت را در میان‌شان رعایت نمی‌کردند، پس چون از احکام یتیمان سؤال کردند، پیوست با جواب آن این آیت هم نازل شد تا ایشان را به این امر متوجه سازد که همان گونه که از بی‌عدالتی در مورد یتیمان بیم دارند، در مورد زنان نیز از بی‌عدالتی بیمناک بوده و بیشتر از آن تعدادی را که رسیدگی به حقوق آنها برای‌شان ممکن نیست، نکاح نکنند زیرا زنان نیز در ضعف و ناتوانی‌شان همانند یتیمان هستند. لذا از این روایت معنای دیگری نیز برمی‌آید. اما آنچه قبلاً در تفسیر آیت گفتیم، بر مبنای روایت عائشه (رض) بود، اما این معنی که از سبب نزول بر می‌آید؛ قول ابن عباس (رض) است. به نقل از «تفسیر انوار القرآن» «ذَلِكْ اَدْنَى اَلَّا تَعُولُوا (۳)»: بسنده کردن به عقد یک زن یا کنیز نزدیکترین وسیله و روش است که از جاده حقیقت منحرف نگشته و مرتکب ظلم و ناروا نشوید.

یعنی: اکتفا نمودن به یک زن، نسبت به جمع کردن میان دو زن یا بیشتر از آن، به سالم ماندن آنان از آلودگی به جور و ستم، نزدیکتر است. امام شافعی؛ در معنای (الا تعولوا) گفته است: «به نکاح گرفتن یکزن نزدیکتر به آن است که عیالوار نشوید». سفیان گفته است: «الا تعولوا - به این معناست: اکتفا نمودن به یک زن، نزدیکتر به آن است که فقیر نشوید».

شان نزول آیت ۳ :

صحیحین، نسائی، بیهقی و کسانی دیگر از عروه پسر زبیر نقل می‌کنند که او این آیت را از خاله اش، عایشه مادر مؤمنان (رض) پرسید. جواب داد: ای خواهر زده؛ این آیت درباره دختران یتیمی است که زیر نظر و سرپرستی کسانی باشند که اموالشان را با اموال یتیم شریک می‌گردانند از ثروت و زیبایی آنان در شگفت می‌مانند و می‌خواهند بدون در نظر گرفتن عدالت در مهریه و در خوردن اموالشان، آنان را به همسری خود در آورند و کمتر از هم سن و سالانشان مهر بپردازند. بنابراین، آیت از تصمیم این سرپرستان، تا زمان رعایت کامل عدالت، منع به عمل آمد و به آنان دستور داده که با سایر زنان مورد پسندشان ازدواج کنند و به عدل گرایند زیرا مصداق آیت عام و عدالت لازمه تمام لحظات و دوران زندگانی آدمی است و سر بر تافتن از دین، ناروا و حرام به شمار می‌آید.

نظریات سایر مفسران درباره این آیات:

سایر مفسران به صورت کل در مفهوم این آیت مبارکه سه نظریه ذیل را نگاشته اند:

۱ - حضرت عایشه (رض) در تفسیر این آیت می فرمایند که در زمان جاهلیت مردان به دلیل زیبایی و جمال دختران یتیمی که تحت سرپرستی آنان قرار داشتند و یا با این تصور که آنان کس و کار دیگری ندارند و ما هرگونه که خواسته باشیم می توانیم با آنان رفتار کنیم، با آنان ازدواج می کردند و سپس بر آنان ظلم می کردند. بنابراین ارشاد شد که اگر می ترسید نتوانید با دختران یتیم به عدالت رفتار کنید، زنان دیگری هم در دنیا وجود دارند، از آنان هر کدام مورد پسندتان واقع شود با او ازدواج کنید. (آیت ۱۲۷ همین سوره این تفسیر آرایه شده را تأیید می کند.)

۲ - ابن عباس (رض) و شاگرد او عکرمه این را این گونه تفسیر کرده اند که در زمان جاهلیت چندمتری حد و مرزی نداشت. یک مرد حتی با ده زن هم ازدواج می کرد و هنگامی که این گونه با این ازدواج های زیاد هزینه های زندگی او بالا می رفتند، به حقوق برادر زاده ها و خواهر زاده های یتیم خود و خویشاوندان ناتوان دیگر خود دست درازی می کرد. به دنبال این الله متعال برای چندمتری حدی معین کرد و فرمود که چاره پرهیز از ظلم و بی عدالتی این است که حداکثر چهار همسر اختیار کنید تا کثرت آنان شما را از مسیر عدالت خارج نکند.

۳ - سعید بن جبیر و قتاده و برخی دیگر از مفسران می گویند که ظلم و بی عدالتی با یتیمان را حتی اهل جاهلیت نیز بد می دانستند. اما درباره زنان، ذهن آنان از تصور عدالت خالی بود. هر اندازه که می خواستند ازدواج می کردند و سپس با همسران خود با بی عدالتی رفتار می کردند. بنابراین ارشاد شده است که اگر از بی عدالتی و ستم با یتیمان پرهیز می کنید و آن را بد می دانید، از بی عدالتی و ستم با زنان نیز پرهیز کنید و آن را بد بدانید.

اولاً بیش از چهار همسر اختیار نکنید و در محدوده این چهار نیز تنها به حدی بسنده کنید که بتوانید بر عدالت قائم بمانید. کلمات احتمال این هر سه تفسیر را دارند و بعید هم نیست که هر سه مفهوم مراد باشند. و نیز این آیت مفهوم دیگری هم می تواند داشته باشد و آن این که اگر شما این گونه نمی توانید با یتیمان عدالت کنید، با زنانی که بچه های یتیمی دارند، ازدواج کنید. (برای تفصیل مراجعه شود به تفسیر: تفهیم القرآن).

احکام بیان شده در این آیت:

امام ابوحنیفه (رح) به جایز بودن نکاح دختر یتیم در حال صغارت وی نظر دارد. اما امام مالک، امام شافعی و جمهور علماء برآنند که نکاح دختر یتیم تا آنگاه که بالغ نگردد، جایز نیست.

ولی دختر یتیم - مثلاً پسرکاکای وی، در صورت عدالت در پرداخت مهر، می تواند بعد از بلوغش با وی ازدواج کند و این رأی ابوحنیفه (رح) است، ولی مذهب امام شافعی (رح) بر آنند که ولی نمی تواند، به عنوان عقدکننده، او را به ازدواج خودش درآورد، مگر به اجازه حاکم و زمامدار زیرا ولایت در نکاح، شرطی از شروط عقد است. در تفسیر «معارف القرآن علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی» آمده است: «بعضی از عدم توجه به آیات در یک سوء تفاهم عجیبی قرار گرفته اند و آن این است که: در این آیت دستور رسیده که اگر احساس خطر کنید که نمی توانید عدل و مساوات را برقرار نمایید، به ازدواج با یک زن اکتفا کنید و در آیت دیگری واضح ساخته که قطعاً نمی توان عدل و مساوات را رعایت نمود. پس نتیجه این شد که نکاح بیش از یک زن مطلقاً نا جایز است. اما باید اندیشید که اگر هدف الله متعال در این آیات، جلوگیری از نکاح بیش از یک زن می بود، او چه نیازی داشت که به این تفصیل بپردازد که: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَّةً وَرُبُعًا» یعنی نکاح کنید از زنان مورد پسندتان دودو، سه سه و چهار چهار» زیرا در آن صورت بی عدالتی یقینی است؛ پس «احساس خطر» در این مورد معنائی نخواهد داشت. به علاوه، بیان قولی و عملی رسول الله صلی الله علیه وسلم و صحابه کرامش و

تعامل متداوم آنها بر این گواه است که اسلام هیچ‌گاه ازدواج با بیش از یک زن را جلو‌گیری ننموده و حقیقت همان است که رعایت عدالت و مساوات در امور اختیاری و عدم توان مساوات در امور غیراختیاری یعنی در محبت و تمایل قلبی است؛ لذا بین این دو آیت هیچ‌گونه تعارضی وجود ندارد و نه در این آیات دلیلی بر ممنوعیت تعدد زوجات آمده است». (در این مورد مراجعه شود به کتب معتبر فقهی)

فلسفه تعدد زوجات :

دین اسلام، به سبب ضرورت و نیاز و با شرایطی خاص اما مفید و محدود، تعدد زوجات را مباح و حتی مطلوب می‌داند؛ از جمله: رسیدگی تمام و همه جانبه به خانواده های بی سرپرست، توانائی تدارک نفقه و مخارج زندگانی افراد تحت تکفل، عدالت و درستکاری میان زنان و معاشرت با آنان به شیوه نیکو. علاوه بر این موارد، به مطالب استثنائی ذیل نیز می‌پردازیم:

الف: عقیم بودن: زن اول، نازا (عقیم) است و مرد فطرتاً دوست دارد، فرزندى داشته باشد تا پس از مرگ، اموالش به او برسد و زحماتش به ثمر نشیند. اکنون مرد، این زن اول را طلاق بدهد، یا این که زنی دیگر بیاورد و اولی را هم طلاق ندهد؟ بی‌گمان اگر زنی دیگر بیاورد و اولی را هم نگه دارد، به شرط محفوظ ماندن شخصیت و رعایت کامل حقوق او، آن زن، کمترین زیان می‌بیند.

ب: شمار فراوان زنان: در اغلب کشورها شمار نوزادان دختر از شمار نوزادان پسر بیشتر است. گاهی نیز پس از جنگهای فراگیر و خانمانسوز، مردان فراوانی کشته، مفقود، روانی و از کار افتاده می‌شوند و از شمارشان می‌کاهد. حال بهتر است مردی چند زن بگیرند تا عفت و پاکدامنی زنان در امان باشد و جامعه از انتشار مریضی مسری (اپیدمی)، آلوده دامنی، آوارگی و دربه‌دری و از نوزادان سر راهی، که از آثار زنا و فحشاء است، پاک و مصون بماند.

ج: توان جنسی: اصولاً، زنان به طور کلی - احساس جنسی به مراتب کمتری دارند به علاوه، معمولاً سرد مزاجی و بی میلی، به خصوص پس از رسیدن به سن یائسگی با مشکلات خاصی روبه‌رو می‌شود که هنوز مرد، از توان جنسی بیشتری برخوردار است و برای تأمین سالم غریزه جنسی و نیازردن همسر بی‌ رغبت، به ازدواج مجدد نیاز دارد، تا او را از نزدیک شدن به زنا - که موجب تباهی دین و مال و تندرستی است، مصون بدارد.

اما با این توضیح، برخی از مردان مسلمان برای اِنتقام گرفتن از زن خود یا فقط به خاطر شهوترانی و هوس بازی، نه، به خاطر اهدافی که بیان شد، خودسرانه ازدواج می‌کنند که دور از اصول و مبانی اسلامی است و رضایت همسر اول و تفاهم زوجین، از بدیهی‌ترین شرایط ازدواج دوم است.

بی‌تردید، مردانی که با چند زن ازدواج می‌کنند و آبرومندان و با رعایت حقوق همدیگر، زندگی را به سر می‌برند، پسندیده است نه آن که زنان در کار حرام و شرم آور فرو روند و بازیچه‌ی دست ناپاک بدکاران شوند.

یادداشت کوتاه افراد که چند همسر دارد:

مردی که چند زن دارد، بر وی واجب است که در خوراک و پوشاک و نوبتهای شبانه، مساوات و برابری را رعایت نماید؛ کسی که مساوات نمی‌کند در قیامت مفلوج برمی‌خیزد، و يك جانب وی به زمین کشیده می‌شود. کسی که در نکاح وی يك زن آزاد و يك کنیز باشد؛ کنیز را نسبت به آزاد، نصف نوبت است؛ و کنیزی که مملوکه باشد، در نوبت آن کدام حق معین نیست؛ و به رضای مالک آن مربوط است. /ادامه دارد